**برای آنکه آدم خوش صحبتی باشید چه باید کنید ؟**

****

**صحبت ؛بازی دلنشینی است به شرط آن که از قواعد آن پیروی کنید . شما با رعایت چند دستور ساده می توانید فردی خوش صحبت و مورد توجه باشید .**

**انسان باید در روابطی که با همنوعان خود برقرار می کند ؛از هرگونه برخورد بی جهت ؛ناسازگاری و عدم توافق دوری کند و علت این برخوردها و ناسازگاری ها هرچه باشد باید از آن پرهیز کرد و هیجان عصبی و دلتنگی و خودخواهی و مسخره بازی نباید در این روابط تاثیر داشته باشد . در این جا برخی از این قواعد و قوانین شرح داده می شود :**

**1. از هر موضوعی که جنبه ی شخصی دارد باید اجتناب کرد.**

**درباره ی وضع مزاجی خود ؛ نگرانیها ؛گرفتاریها و دردسر های خانوادگی تان طول و تفصیل ندهید. مخصوصا زن یا شوهرتان را هرگز در میان جمع به باد انتقاد نگیرید .**

**داستانهای خصوصی یا شخصی ؛امکان پرداختن به هرگونه بحث همه پسند در رابطه با هنر ؛علوم ؛تاریخ؛اوضاع روز ؛ورزش و چیزهای دیگر را از میان می برد . اگر به این ترتیب پرگویی کنید کسانی را که به حرفهایتان گوش می دهند خسته می کنید . شما با این حرفهایتان ؛چیزهایی را تکرار می کنید که همه می دانند یا دانستن آن برای ایشان حایز اهمیت نیست ؛در صورتی که باید بگذارید دیگران حرف بزنند و شما ذهن خودتان را غنی کنید .**

**2. از نقض و انکار گفته های دیگران اجتناب کنید .**

**مجاز است به یک نفر بگویید : «من با شما هم عقیده نیستم .اما از آن ضد و نقیض گویی ها و معارضه های صریح و قاطع که به هرگونه رابطه ای پایان می دهد ؛پرهیز کنید . سعی داشته باشید با طرف خود نقطه های – مشترکی پیدا کنید . به این ترتیب موضوع در نتیجه ی مشارکت دیگران و و سهمی که هرکس در صحبت به عهده می گیرد ؛غنای بیشتری پیدا می کند و به اصطلاح پرمایه تر می شود . به یاد داشته باشید صحبتی که بزرگترین لطف و جذبه را دارد ؛از اظهار فصاحت و بلاغت ساخته نشده ؛بلکه از تبادل مودبانه ی افکار و عقاید ساخته شده است .**

**3. وسط صحبت کسی که حرف می زند ندوید .**

**بدیهی است که اگر صحبت را با جمله های بی معنایی مثل «معرکه است !»یا جمله های بی مزه ای مثل«غیر ممکن است!» چاشنی بزنید ؛مخاطب شما چندان دست و پای خودش را گم نمی کند . اما اگر رشته ی صحبت او را وسط جمله ای ببرید و عقاید شخصی خودتان را ابراز بدارید ؛برایش یک زحمت خواهید بود و رشته ی حرف او را خواهید برید .**

**4. ناگهان موضوع صحبت را عوض نکنید .**

**اشخاصی هستند که با نا بردباری آشکاری انتظار می کشند که ناطق یا آن کسی که در مجلس حرف می زند مکثی بکند ... و همین که آن شخص مکث کرد ؛ناگهان توی صحبت می پرند و از موضوع کاملا متفاوتی حرف می زنند . بهتر آن است که در جمع هر وقت حرفهای یکی تمام شد همه لحظه ی کوتاهی سکوت کنند و این کار را برای آن انجام می دهند که تامل و تفکری درباره ی حرفهای او بکنند و حرفهایی را که زده شده است به تحلیل ببرند و ارزیابی کنند و این امر نشانه ی اظهار ادب درست و شایسته درباره ی کسانی است که با حرفهای خودشان موضوع تفکر و تاملی برای دیگران فراهم می آورند**

**5. به آنچه گفته می شود به دقت گوش دهید .**

**این روش بهترین راه استفاده از گفته های سخنرانی است که حداکثر کوشش خود را به کار می برد تا آنچه در چنته دارد بیرون بریزد .**

**موضوع این نیست که سراپا گوش باشید . چشمهای شما ؛دستهای شما و خلاصه همه ی رفتار شما باید دقیق باشد . اگر موقعی که که شخصی مشغول صحبت است ؛چشمهای دوستان به سوی یک پرده ی نقاشی برگردد ؛اگر دستهای ایشان تکانی بخورد ؛معلوم است که داستانتوجه شان را جلب نکرده و از این نکته نتیجه گرفته می شود :«برای آنکه خود را در دل دیگران جا کنید ؛هیچ روشی بهتر از این نیست که با علاقه و محبت به حرفهایشان گوش دهید .آنها را که موضوع را خودشان شرح و بسط دهند ؛سوالهایی در آن باره از ایشان کنید ؛خواهید دید گل از گلشان شکفته خواهد شد .**

**6. پس از یک انحراف فکری ؛دوباره صحبت را به محدوده ی موضوع برگردانید .**

**گاهی اتفاق می افتد که انسان پیش از آنکه موضوع را کاملا تشریح کرده باشد در پیچ و خم صحبتی گم می شود . باید راه برگشتن به سر صحبت را دانست . چنین چیزی به منزله ی محکی برای شناختن کسی است که حقیقتا از قریحه ی صحبت بهره دارد و از این گذشته ؛این کار نه فقط نشانه ی لطف و ادب گوینده است بلکه بهترین وسیله ی ابراز علاقه ی واقعی است . البته مساله این نیست که شما سر گذشت شخصی خود را شرح دهید . اگر مخاطبهای شما مرتکب این بی ادبی شدند که موضوع را تغییر دهند ؛بگذارید این کار را بکنند اما با آنها معامله به مثل نکنید .**

**7. هرگز نظر خودتان را تحمیل نکنید .**

**واقعیت همیشه واقعیت است اما نتیجه هایی که شما از این واقعیت می گیرید به جای آنکه جنبه ی تاکید داشته باشد باید دارای جنبه ی تلقین و چیزی مثل پیشنهاد و اظهار نظر باشد و این استنتاجها همیشه باید با احتیاط صورت گیرد . مثلا سخنگو باید جمله هایی چون «به نظر من » یا «مگر ممکن نیست  که ...» را به کار ببرد . کسانی که برموضوعی تسلط کامل دارند معمولا با احتیاطی که عقل حکم می کند ؛ازآن سخن می گویند . در صورتی که نادانها همیشه آرا قطعی صادر می کنند .**

**8. روشن حرف بزنید .**

**کسی که آرام و روشن حرف می زند ؛دو امتیاز بزرگ دارد و در پرتوی این دو امتیاز می تواندصدای خود را در جریان گفت و شنودها به گوشها برساند .**

**9. از صحبتهایی که باعث تضعیف روحیه می شود دوری کنید.**

**همه ی ما گاهی در مورد هم نوع خود بیهوده اظهار نظرهای ناگوار و زنندهای می کنیم.طبعا نمی توان اعمال زشت را تاییذ کرد اما باید سعی داشته باشیم که از انتقادهای زاید اجتناب کنیم و با مسخره کردن این و آن دیگران را نخندانیم . از اینها گذشته ؛نباید به مرحله ای برسیم که جز جنبه های زشت و ناگوار زندگی چیزی را نبینیم .**

**برای این که از امور شخصی خودتان حرف نزنید ؛از راه معاشرت و مراوده با اشخاصی که مشاغل دیگری دارند ؛آگاهی و شناختهای خود را تو سعه دهید . حس کنجکاوی تان را درباره موضوع هایی که ناشناخته مانده به کار اندازید و از راه مطالعه کتابهای شایسته درباره مسائلی که به آنها علاقه دارید و تاکنون بیرون از قلمروی شما بوده است ؛به تعمق بپردازید.**

**باتشکر از حسن توجه شما**